

پایش آموزه: تسخیر هستی

دکتر محمدتقی فعالی

نگاهی به اصل تسخیر در جهان هستی

یکی از مضامین جالبی که در قرآن مطرح شده، اصل تسخیر زمین و آسمانها و عناصر آن دو برای بشر است. طرح این مسأله در میان آیات به دو صورت است: گاهی به صورت جزئی و موردی و گاهی به صورت کلی و عمومی.

گونه اول) موارد جزئی

نمونه‌هایی از موارد جزئی به شرح ذیل است؛

تسخیر کشتی:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ﴾^۱ و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود.

تسخیر آبها:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ﴾^۲ و رودها را برای شما مسخر کرد.

تسخیر خورشید و ماه:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ﴾^۳ و خورشید و ماه را که پیوسته روانند، برای شما رام گردانید.

تسخیر شب و روز:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾^۴ و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت.

تسخیر دریاها و ماهی‌ها:

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا﴾^۵ و اوست

۱. ابراهیم/ ۳۲.

۲. همان.

۳. ابراهیم/ ۳۳.

۴. همان.

۵. نمل/ ۱۴.



کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید.
تسخیر باد برای سلیمان علیه السلام:
﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ﴾^۱ پس باد را در اختیار او
قرار دادیم.

گونه دوم) موارد کلی

در میان آیات به مواردی بر می‌خوریم که به صورت کلی و
عمومی زمین و آسمان‌ها را مسخر بشر معرفی می‌کنند:
﴿الْم تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^۲ آیا ندانسته‌اید که خدا
آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما ساخته و
نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است.

اول) معنانشناسی

تفاسیر در ارتباط با معنای تسخیر، مواردی را مطرح
کرده‌اند؛^۳ جهان پیرامون به گونه‌ای است که انسان می‌تواند در
آن دخل و تصرف کند، ستارگان به انسان‌ها یاری می‌رسانند،
آدمی از نور خورشید و حرارتش بهره می‌برد، ابر و باران سبب
احیای زمین و رویش گیاهان می‌شوند، زمین رام بشر است،
خاک منافع بیشماری برای آدمی دارد، سنگ‌ها در اختیار انسان
است و آدمی از منافع بیشمار کائنات بهره می‌برد.

تسخیر در اصطلاح بدین معنا است؛^۴ فاعل، فعل خویش را
به گونه‌ای قرار دهد که اوامر او را انجام دهد؛ مثلاً هرگاه قلم،

۱. ص / ۳۶.

۲. لقمان / ۲۰.

۳. طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۲۸۱؛ مغنیه، المبین، ج ۱، ص ۵۴۲؛ رازی، روض الجنان، ج ۱۵، ص ۲۹۶؛ فیضی
دکنی، سواطع الالهام، ج ۴، ص ۲۹۶؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ج ۴، ص ۲۱۵؛ ابن عاشور، التحریر و التئیر،
ج ۲۱، ص ۱۱۶؛ نخجوانی، الفواتح الالهیه، ج ۲، ص ۱۳۴؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱۱، ص ۹۲؛ فخر رازی،
مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۳۰.

مسخر نویسنده باشد، بدین معنا است که نویسنده می‌تواند
قلم را به اراده خویش به حرکت درآورد یا هرگاه فردی
خدمت‌گذاری را تسخیر می‌کند، بدین معنا است که طبق
اراده و خواست او خدمت‌رسانی می‌کند. بر این اساس تسخیر
کائنات بدین معنا خواهد بود که خالق، کائنات را به گونه‌ای
آفرید که طبق فرمانش عمل کنند.

خداوند، جهان را آفرید. جهانی که مخلوق اوست، مملوک و
فرمانبر او نیز است. عالم هستی به گونه‌ای آفریده شده که از

بر اساس مصالح کل جهان به انسان اجازه بهره‌وری و خدمت‌رسانی دهند و این است معنای تسخیر.

مشیت و اراده خداوند تبعیت می‌کند. خداوند به کائنات فرمان
داد تا در «خدمت» بشر باشند و اجازه دهند آدمیان در آن دخل
و تصرف کنند و از «منافع» زمین و آسمان بهره برند.
از این مطالب به دست می‌آید که اولاً کائنات پیش از
آنکه مسخر انسان باشد، مسخر خالقند. این خداست که به
مخلوقاتش فرمان می‌دهد تا در اختیار بشر باشند.
ثانیاً نکته مهم اینکه مسخر بودن زمین و آسمان برای بشر،
معنایی جز خدمت‌گذاری و امکان بهره‌برداری ندارد. هرگز
تسخیر، بدین معنا نیست که انسان، مالک زمین و آسمان
باشد و در آن هر گونه خواهد تصرف کند. ارتباط کائنات با
انسان فقط در قالب «خدمت و نفع» قرار می‌گیرد؛ از این‌رو
تمام اجزای سیاره منجمد از خالق خویش، فرمانی بدین شرح

دریافت کرده‌اند:

دوم) اهداف

خداوند، جهانی با عظمت آفرید و آن را در اختیار بشر قرار داد تا از آن نفع ببرد و از منافعتش استفاده کند. تسخیر جهان برای انسان، اهداف و غایاتی دارد. خداوند به آن‌ها در خلال آیاتش اشاره کرده است:

□ خداوند، جهان را مسخر انسان قرار داد تا آدمی «شکر» کند. شکر، درجات و مراتبی دارد که یکی از آن‌ها شکر عملی است؛ بدین معنا که انسان از تک تک اجزای عالم با توجه به مصالح واقعی و رضایت خالق بهره ببرد. اگر آدمی از ابرها، بادها، گیاهان، دریاها و خشکی‌ها استفاده می‌کند و امکان این استفاده را خداوند به وی داده است، این بهره بردن، علتی دارد و آن اینکه انسان تمام بهره‌ها و نفع‌بری‌های خویش را در قالب قوانین الهی و قواعد کائنات محقق سازد:

﴿كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۱ اینگونه آن‌ها را برای شما رام کردیم؛ امید که شکرگزار باشید.

□ از دیگر غایات تسخیر جهان، «تسبیح» است. خداوند، جهان را برای بشر مسخر فرمود تا آدمی، همراه تمام هستی، تنزیه و تسبیح خدا را انجام دهد:

﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾^۲ ما کوه‌ها را با او مسخر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان، خداوند را نیایش می‌کردند.

□ خداوند از رام کردن جهان برای انسان، مقصود دیگری هم دارد. اگر جهان، رام انسان شده است، بدین دلیل است که وی راه یابد، هدایت شود و به بزرگی، جلال و عزت الهی نائل شود:

۱. حج / ۲۶

۲. ص / ۱۸

﴿كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ﴾^۳ اینگونه [خداوند] آن‌ها را برای شما رام کرد تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت کرده، به بزرگی یاد کنید.

حاصل آنکه زمین برای انسان، آسایش و آرامش فراهم می‌کند. زمین و عناصرش رام بشر شده و این سیاره منجمد و بزرگ برای بشر خاضع شده است. گیاهان و درختان برای انسان،

زمین و عناصرش رام بشر شده و این سیاره منجمد و بزرگ برای بشر خاضع شده است. گیاهان و درختان برای انسان، شادی می‌آفرینند. جهان به گونه‌ای خلق شده که بشر از آن شادمان می‌شود و لذت می‌برد.

شادی می‌آفرینند. جهان به گونه‌ای خلق شده که بشر از آن شادمان می‌شود و لذت می‌برد. عناصر زیستی از آدمی حفاظت کرده، زیبایی را به چشم او می‌نشانند، باغ‌ها میوه می‌دهند، آب‌ها به روح بشر لطافت می‌بخشند، میوه‌ها و سبزه‌ها با رنگ‌های مختلف، بوم نقاشی بزرگی برای افراد ساخته‌اند، تماشای گیاهان و نگریستن به گلبرگ‌ها و غنچه‌ها زیر نور زرین خورشید، آدمی را غرق در شادی و آرامش می‌کنند، باران زمین را زنده می‌کند، تفریح با آب روحیه‌بخش است، تنفس در هوای پاک، سبب تندرستی و آرامش روحی می‌شود، دست خلقت، روز و شب را به نفع انسان قرار داده است و کوه‌ها و آسمان‌ها دست به دست هم داده‌اند تا استمرار حیات بشر را

۳. حج / ۳۷

تمام اجزای کائنات بدون چشم‌داشت، سهل و رایگان، همه چیز خود را به انسان‌ها می‌بخشند. این بخشندگی، صفتی است که از خداوند رحمانشان به ارث برده‌اند تا به انسان‌ها بیاموزند که بخشنده باشند.



ممکن سازند. در یک جمله، خداوند، کائنات را در خدمت بشر قرار داد و مستخر او ساخت. جهان هستی به انسان‌ها خدمت می‌کند و در این خدمت، هیچ چیزی از آن‌ها نمی‌ستاند.

کتابنامه

آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

رازی، ابوالفتوح، رازی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

مغنیه، محمدجواد، التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، بی‌تا.